

در پرتو شرایط جدید منطقه‌ای

# کاوشی در روابط ایران و عربستان سعودی

حمید هادیان

## چکیده

هدف اصلی نویسنده‌ی مقاله، بررسی، تحلیل و ارزیابی روابط سیاسی ایران و عربستان سعودی پس از حادثه‌ی یازدهم سپتامبر، حول تحولات حساس عراق از منظر منافع ملی، ژئوپولیتیک و منافع ایدئولوژیک دو کشور می‌باشد. به اعتقاد نویسنده، عمق آینده‌ی روابط سیاسی دو کشور بر سر عراق با تفاهم مشترک و امید به تحقق اراده‌ی مشترک دو طرف بر سر منافع حساس ایدئولوژیک و ژئوپولیتیک امکان‌پذیر است و در این راستا بر این باور است که تفاهم مشترک جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سر عراق می‌تواند به تفاهم مشترک دو کشور در مسائل حساسی چون پرونده‌ی هسته‌ای ایران، اوپک و آینده‌ی سیاستهای مشترک نفتی و ترتیبات امنیتی خلیج فارس بینجامد و عمق تعارض دو طرف بر سر عراق نیز به اتخاذ مواضع تند از سوی دو طرف خواهد انجامید. بنابراین ایران و عراق ضروری است به تدبیر درخصوص تفاهم مشترک بر سر عراق جدید و حضور هدفمند آمریکادر این کشور بیندیشند. نویسنده سطح تحلیل ارزیابی روابط سیاسی و سیاست خارجی دو کشور ایران و عربستان سعودی را شامل جغرافیای سیاسی دو کشور و نیز ادراکات و برداشت نخبگان سیاسی و مقامات ارشد دو کشور می‌داند.

## کلیدواژه‌ها

عراق جدید، ژئوپولیتیک شیعه، منافع ایدئولوژیک و خاورمیانه بزرگ.

## درآمد



انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و تشدید روابط خصمانه‌ی ایدئولوژیک و رقابت‌های ژئوپولیتیک بین ایران و عربستان سعودی، عربستان را در کنار عراق قرار داد و در طول جنگ تحمیلی، عربستان و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در کنار عراق قرار گرفتند. با وقوع جنگ کویت و اتخاذ مواضع جدید جمهوری اسلامی ایران، روابط سیاسی تهران و ریاض بهبود یافت. ملاقات رهبران دو کشور در سازمان کنفرانس اسلامی نقطه‌ی اوج مناسبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بود. با وقوع جنگ سال ۲۰۰۳ عراق، مناسبات سیاسی دو کشور وارد مرحله‌ی حساسی شده است.

این مقاله در نظر دارد تا روابط سیاسی ایران و عربستان سعودی را پس از ۱۱ سپتامبر حول تحولات حساس عراق مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. از طرف دیگر، سطح تحلیل ارزیابی روابط سیاسی و سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی شامل جغرافیای سیاسی دو کشور و نیز ادراکات و برداشت نخبگان سیاسی و مقامات ارشد دو کشور می‌گردد. به عبارت دیگر، این مقاله در نظر دارد تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را حول تحولات حساس عراق از منظر منافع ملی و ژئوپولیتیک و نیز منافع ایدئولوژیک مورد ارزیابی قرار دهد.

روابط امنیتی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی - اجتماعی ایران و عربستان سعودی به شدت متأثر از سیاست خارجی دو کشور است. به نظر می‌رسد که از سال ۱۹۷۹ تاکنون دو کشور از مرحله اعتمادسازی خارج نشده و هنوز تفاهم مشترکی بین آنها در قبال مسائل حساس منطقه‌ی خاورمیانه به وجود نیامده است.

روندهای خلع سلاح و کنترل تسلیحات نامتعارف به ویژه هسته‌ای، صلح و امنیت‌سازی، دموکراسی‌سازی و پیکار با تروریسم، امنیت انرژی و سیاست‌های نفتی و امنیت منطقه‌ای خلیج فارس، محورهای اصلی دغدغه‌های مشترک تهران و ریاض به شمار می‌روند که هنوز به سطح تفاهم مشترک رسمی ارتقا پیدا نکرده و در سطح مذاکرات و عرف دیپلماتیک باقی مانده‌اند. در این میان، عراق پس از ۱۱ سپتامبر و به ویژه پس از سقوط صدام چالش‌های شدیدی بین ایران و عربستان سعودی به وجود آورده تا جایی که تعامل معمولی دو کشور را دستخوش مشکلاتی کرده است. عراق از دهه‌ی ۷۰ میلادی تاکنون وزنه‌ی تعادل در روابط منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی به شمار می‌آمده است. سوابق تاریخی روابط سیاسی دو کشور از تفاهم مشترک در خصوص امنیت منطقه‌ی خلیج فارس به ویژه همکاری با سیاست دو ستونی آمریکا حکایت دارد. وقوع

## ۱- حساسیت ژئوپولیتیک منطقه پس از جنگ عراق: ژئوپولیتیک شیعه

حساسیت ژئوپولیتیک منطقه ی خاورمیانه پس از جنگ عراق را می توان از منظرهای متفاوتی چون امنیت انرژی، پایگاههای نظامی، اتحادهای منطقه ای، پیکار با تروریسم و غیره مورد کالبدشکافی قرار داد، ولی این بخش از مقاله بیشتر حساسیت ژئوپولیتیک منطقه را از منظر تغییرات جغرافیای سیاسی انسانی از جمله قومیتها، اقلیتهای دینی و مذهبی، زبانی و غیره مورد ارزیابی قرار می دهد.

منشاء تغییرات جغرافیای سیاسی انسانی منطقه، تغییرات احتمالی ژئوپولیتیک در منطقه ی خاورمیانه متأثر از پیشنهاد ابتکار خاورمیانه و طرح خاورمیانه ی بزرگ دولت آمریکا است. در این طرح، اصلاحات سیاسی، احقاق حقوق اقلیتها، آزادسازی اقتصادی و فرآیند تعامل سازنده با ملل منطقه، تحت عنوان دموکراسی سازی بیش از صلح و امنیت سازی در خاورمیانه بزرگ برجسته شده است. با به قدرت رسیدن تدریجی کردها در عراق و سخنرانیهای پی در پی مقامات ارشد دولت بوش مبنی بر اولویت دموکراسی بر امنیت و ثبات منطقه، تغییرات جغرافیای سیاسی انسانی و ژئوپولیتیک منطقه ای برای کشورهای منطقه، از جمله عربستان سعودی و ایران مسجل تر شد. برای مثال، خانم رایس در سخنرانیهای خود در دانشگاه آمریکایی قاهره و نیز دانشگاه

پرینستون بر اولویت دموکراسی بر ثبات تأکید ورزید. وی خاطر نشان ساخت که آمریکا در پی حمایت از دولتهای دیکتاتوری، از مردم منطقه فاصله گرفت و سرانجام حادثه ی ۱۱ سپتامبر به وجود آمد. بدین ترتیب، آمریکا به دو هدف عمده ی دموکراسی و ثبات در خاورمیانه دست پیدا نکرده است.

از طرف دیگر، عربستان سعودی به لحاظ عضویت اتباع سعودی در القاعده و رشد بنیادگرایی اسلامی - وهابی و اتهام پتروتروریسم خطر تغییرات جغرافیای سیاسی انسانی را جدی می گیرد. آن کشور دارای اقلیتی شیعه است و از جانب برخی مقامات ارشد دولت آمریکا متحد ضد و نقیض نامیده می شود.<sup>(۱)</sup> همچنین جمهوری اسلامی ایران نیز به لحاظ تداوم بحران روابط با آمریکا، ضدیت با اسرائیل و حضور جدی نظامی ایالات متحده در مرزهای شرقی و غربی کشور از تغییرات احتمالی ژئوپولیتیک منطقه نگران است. ایران دارای اقلیتهای قومی - مذهبی در نواحی مرزی با افغانستان و عراق است.<sup>(۲)</sup>

در وهله ی اول این طور به نظر می رسد که ادراک مشترک دو کشور از خطرات جدی ناشی از تغییرات جغرافیای سیاسی انسانی موجب نزدیک شدن دو کشور در مخالفت با سیاست جدید خاورمیانه ای آمریکا شده باشد، ولی بالعکس فقدان منافع مشترک حول تغییرات جغرافیای انسانی متمرکز بر تحولات عراق،

روابط میان دو کشور را به شدت دچار چالش کرده است. به عبارت دیگر، منافع ملی و ژئوپولیتیک ایران و عربستان سعودی حول مسائل عراق بیشتر از منظر و دیدگاه منافع ایدئولوژیک نگرینسته می‌شود. تا جایی که عربستان سعودی در راستای همکاری بیشتر با آمریکا در زمینه‌ی سامان‌دهی سنیهای عراقی به رقابت شدید با جمهوری اسلامی ایران بر سر شیعیان عراقی پرداخته است. در این راستا عربستان سعودی در همکاری با آمریکا بر سر عراق به تغییر تصویر سوءظن در نزد افکار عمومی و مقامات ارشد ایالات متحده نیز می‌پردازد که این مسئله به افزایش شکاف و اختلاف میان ایران و آمریکا بر سر عراق و دیگر امور حساس منطقه انجامیده است.<sup>(۳)</sup>

این بخش از مقاله در نظر دارد ضمن تعریف اجمالی از ژئوپولیتیک شیعه به برداشت عربستان سعودی و سایر کشورهای سنی مذهب عرب منطقه و نیز جمهوری اسلامی ایران از مهندسی قدرت در عراق جدید بپردازد.

اصطلاح ژئوپولیتیک شیعه بیشتر از جانب رهبران عرب از جمله ملک عبدالله - پادشاه اردن - برای ضدیت با سیاست جدید جمهوری اسلامی ایران در امور عراق مطرح شده است. به عبارت دیگر، آنها سعی داشتند تا با طرح ژئوپولیتیک شیعه بار سیاسی - ایدئولوژیک برای سیاست جدید منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قائل شوند و مانع از همکاری احتمالی

آمریکا و ایران بر سر معضلات پیش روی آمریکاییها در عراق شوند. نفوذ سیاسی - مذهبی جمهوری اسلامی ایران در بین شیعیان عراقی و عدم تمایل رهبران ارشد شیعیان عراقی به تقابل با آمریکا موجب شد تا ایالات متحده، سنیهای افراطی و القاعده را دشمن اصلی خود در عراق تصور کند و اکراد و شیعیان را برای همکاری در مهندسی جدید قدرت جلب نماید. این در حالی بود که عربستان سعودی و سایر اعراب منطقه نگرانی عمیقی از تفوق و برتری منطقه‌ای ایران، در پی به قدرت رسیدن شیعیان متمایل به جمهوری اسلامی ایران در عراق داشتند. در این شرایط، بدیهی است که دو طرف منافع مشترکی در قبال تغییرات جغرافیای سیاسی انسانی منطقه پس از جنگ عراق نداشته باشند.

ژئوپولیتیک شیعه تجلی سیاسی ژئوپولیتیک قومی و فرهنگی با دو پهنه‌ی عربی و ایرانی است که به آنها باید بخشهایی از جهان ترک و هندی را نیز افزود. تنها در ایران، مذهب شیعه‌ی حکومت رسمی دارد و بقیه نقاط به ایران می‌نگرند. از نظر ژئوپولیتیک، فروپاشی رژیم عراق قومیتها و مذاهب را از پوسته خارج کرد و آنها را در خط مقدم صحنه عراق قرار داد. بدیهی است که اهمیت دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، ریشه در حمایت از شیعیان عراق و گسترش نفوذ آنها خواهد داشت و متقابلاً تعارض شدید منافع با عربستان

و اعراب را به دنبال خواهد آورد. به عبارت دیگر، ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از سقوط صدام حسین ادامه‌ی سیاست سنتی ایران در منطقه یعنی حفظ قدرت و نفوذ و نیز جلوگیری از هرگونه تهدید و تعرض از جانب رقبای همیشگی از جمله روسیه، ترکیه، عربستان سعودی و غیره می‌باشد. از سوی دیگر، مسئله‌ی اتحاد شیعه و همکاری با جوامع اسلامی مطرح است که در این بخش می‌توان اهمیت وجه ایدئولوژیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به خوبی مشاهده کرد. بر پایه‌ی تجارب گذشته، ایران در نوار مرزی دارای اقلیتهای قومی - مذهبی است و از نظر موقعیت ژئوپولیتیک همواره خود را در محاصره‌ی اعراب سنی می‌بیند. در این میان، حساسیت عربستان سعودی که بر پایه‌ی تعصبات بنیادگرایانه سنی استوار است، بیش از دیگر کشورها است. بدیهی است که حساسیت و رقابت دو طرف بر سر عراق

## ۲- جغرافیای انسانی در طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا

در طرح خاورمیانه بزرگ، اولویت به دموکراسی و سپس به ثبات داده شده است. مقامات آمریکایی معتقدند که دموکراسی موجب ثبات و امنیت منطقه‌ی خاورمیانه می‌شود و بی‌ثباتی نیز از فرآیندهای درونی منطقه نشئت می‌گیرد. بدین خاطر فشار به کشورها برای آزادسازی سیاسی و اقتصادی افزایش یافته است. خانم رایس نیز بارها ابتدا از دموکراسی و سپس از ثبات صحبت کرده است. دولت آمریکا علت فشار برای رفرم سیاسی و اصلاحات را روندهای داخلی در کشورهای منطقه می‌داند که عبارتند از:

- ۱- تحولات جمعیتی و شهرنشینی؛
  - ۲- مسائل ناشی از رشد اقتصادی و بازسازی؛
  - ۳- بحران مشروعیت سیاسی ناشی از رشد بنیادگرایان و ناسیونالیسم.<sup>(۵)</sup>
- مجموع روندهای داخلی، منافع ملی آمریکا در منطقه یعنی ثبات و امنیت را به مخاطره می‌اندازد. در واقع، منابع اصلی بحران تهدیدکننده‌ی منافع حیاتی و استراتژیک آمریکا

نقاط عطفی را داراست. عراق مهد تشیع است و اماکن مذهبی در آن قرار دارند و اکثریت جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند. در حالی که عراق از زمان تأسیس تا فروپاشی رژیم صدام حسین توسط اقلیت سنی اداره می‌شد. در این کشور، تسلط سنیها موجب بروز شورش شیعیان و اکراد می‌شد. عربستان سعودی نیز به اندازه‌ی ایران اما به عنوان نقطه‌ی مخالف با تشیع همواره وضعیت شیعیان عراق

در منطقه بیشتر منابع داخلی کشورهای منطقه می‌باشد. منظور از جغرافیای انسانی در رویکرد اصلاحات و آزادسازی اقتصادی آمریکا مهندسی قدرت و قومیت در کشورهای چندقومی است. ثبات و امنیت این دسته از کشورها و نیز امنیت منطقه به روابط قدرت و قومیتها معطوف است. دولتهای این دسته کشورها به فساد سیاسی و اقتصادی مبتلا هستند و تعارضات شدید بین قومیتها و دولت وجود دارد. نمونه بارز و آشکار آن عراق، اکراد و شیعیان بود. شکافهای شدید قومی، نژادی و مذهبی می‌تواند به منازعات مسلحانه قومی مبدل شود.

از آنجا که کشورهای خاورمیانه دچار گسلهای قومی، نژادی، مذهبی و زبانی می‌باشند لذا گسترش و تعمیق منازعات مسلحانه قومی در یک یا چند کشور می‌تواند ثبات و امنیت منطقه را برهم بزند.<sup>(۶)</sup>

از نظر سیاستمداران ارشد دستگاه تصمیم‌گیری دولت آمریکا، ۱۱ سپتامبر آغاز دوران جدیدی که تحقق اهداف مورد نظر نیازمند نگرش نوین به اولویتها و منافع حیاتی می‌باشد. تفسیر جدید کاخ سفید از سند جدید استراتژی امنیت ملی آمریکا، پروژه آمریکا برای قرن ۲۱ و دکترین نظامی ایالات متحده در قرن جدید حاکی از چشم‌اندازهای جدید در خاورمیانه مبتنی بر حضور جدی و برنامه‌ریزی

شده در عراق است. آمریکا از عراق به عنوان دهلیز تغییرات مورد علاقه در جغرافیای سیاسی و انسانی منطقه استفاده خواهد کرد. بدیهی است که عربستان و مصر تحت فشار آمریکا به رفرم و اصلاحات بیشتر برای تغییر زیرساختهای فکری و فرهنگی مبادرت خواهد ورزید. امروزه، آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر در بطن مسائل حساس سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی منطقه قرار دارد و خاورمیانه مرکز ثقل تحولات سیاست بین‌المللی آمریکا محسوب می‌شود. شکاف دوسوی آتلانتیک بر سر جنگ عراق و سیاست یک‌جانبه‌گرایی دولت آمریکا بروز پیدا کرد و اصطلاح متحدان ضد و نقیض به پاکستان، عربستان و مصر در قالب سیاست جدید خاورمیانه‌ای آمریکا پس از سپتامبر صورت گرفت. مؤسسه آمریکایی اینترپرایز سیاست جدید خاورمیانه‌ای ایالات متحده را تغییر رژیم و تغییرات منطقه‌ای<sup>(۷)</sup> در فضای دیپلماسی در پرتو قدرت توصیف می‌کند.<sup>(۸)</sup>

جغرافیای انسانی طرح خاورمیانه بزرگ نیز با تغییرات منطقه‌ای پس از تغییر رژیم عراق همراه است. بعد جغرافیای انسانی این طرح به توسعه‌ی انسانی در منطقه مرتبط است. در گزارشهای سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ برنامه‌ی توسعه‌ی انسانی سازمان ملل به آشفتگی اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای منطقه اشاره شده است. بنابراین، جغرافیای انسانی از یکسو به گستره‌ی توسعه‌ی انسانی در کشورهای

منطقه و از سوی دیگر به مطالبات قومی - مذهبی در کشورهای چندقومی معطوف است. بنابراین، توسعه‌ی انسانی و توسعه‌ی پایدار در بستر جغرافیای انسانی منطقه‌ی خاورمیانه بزرگ امکان پذیر است. امروزه، منافع استراتژیک آمریکا با تحقق توسعه‌ی پایدار، آموزش مهارت‌های سیاسی، تغییر زیرساخت فکری، ارتقای آگاهی و اطلاعات، افزایش نقش زنان، توجه به قومیتها و اقلیتها، کاهش سلسله مراتب سنتی اجتماعی، گردش آزاد اطلاعات، کنترل رشد بی‌رویه جمعیت، برنامه‌ریزی برای جمعیت جوان و غیره امکان پذیر شده است. توسعه‌ی انسانی به تضمین معنای امنیت و توجه بیشتر به اصلاحات سیاسی و اقتصادی است که به نوبه خود به جلب سرمایه‌های خارجی و برقراری ثبات و امنیت منطقه می‌انجامد.<sup>(۹)</sup>

هسته‌ی توسعه‌ی انسانی سیاست جدید خاورمیانه‌ای آمریکا روبه رشد جوان می‌باشد. هدف جغرافیای انسانی توسعه‌ی کنترل و هدایت انرژی متصاعد شده از موج جمعیت روبه رشد جوان منطقه است. توقعات فزاینده ناشی از معضلات شدید اجتماعی، نابسامانی اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی موجب گسترش و تعمیق موج شدید نارضایتی عمومی و احساسات شدید ضد آمریکایی در جمعیت روبه رشد جوان در کشورهای منطقه شده است. از نظر روان‌شناختی، جمعیت جوان خواستار

تغییر وضع موجود و جمعیت پیر و کهنسال به دنبال حفظ وضع موجود است. جمعیت رو به رشد با آموزشها و آموزه‌های بنیادگرایی اسلامی در مواجهه با چالشهای شدید اقتصادی، سیاسی، فساد و ناکارآمدی دولتی خشونت طلبی را برمی‌گزیند و این امر به بی‌ثباتی منطقه می‌انجامد. عراق، ایران و عربستان مانند سایر کشورهای منطقه از جمعیت روبه رشد برخوردارند. ایران با درصد رشد سالانه جمعیت ۱۷ درصد و دارا بودن جمعیت زیر ۱۴ سال ۳۷/۶ درصد، عراق با رشد سالانه جمعیت ۲/۸۲ درصد و دارا بودن جمعیت زیر ۱۴ سال ۴۷/۱ درصد و عربستان با رشد سالانه جمعیت ۳/۲۷ درصد و دارا بودن جمعیت زیر ۱۴ سال ۴۲/۴ درصد مانند سایر کشورهای منطقه با مسائل جدی روبه‌رو هستند. صرف نظر از مسائل داخلی ایران و عربستان، سیاست جدید خاورمیانه‌ای آمریکا در قبال عراق با جمعیت روبه رشد آن کشور سروکار دارد. عدم توجه به این مسائل موجب تشدید خشونت‌های سازمان یافته، اقدامات تروریستی و رشد نیروهای جهادی مخالف آمریکا می‌شود. موج حملات علیه نیروهای آمریکایی در عراق اغلب توسط جوانان صورت می‌گیرد و ژئوپولیتیک جوانان کرد، شیعه و عرب سنی می‌تواند به تشدید جنگ داخلی و فروپاشی سرزمینی حاکمیت عراق بینجامد. بنابراین، بی‌ثباتی منطقه‌ی خاورمیانه از بی‌ثباتی عراق که ناشی از فرآیندهای داخلی



به ویژه خشونت‌های ژئوپولیتیک جمعیت جوان اکراد، سنیها و شیعیان می‌باشد، متأثر خواهد بود. بی‌شک، ایران و عربستان نیز برای پیشبرد منافع ایدئولوژیک به گسترش و تعمیق آموزه‌های دینی و مذهبی به جمعیت روبه رشد جوانان عراقی می‌پردازند و سرمایه‌گذاری فرهنگی، دینی و ایدئولوژیک خود را صرف آنان خواهند کرد.<sup>(۱۰)</sup>

### ۳- روابط سیاسی ایران و عربستان حول مسائل حساس عراق: اکثریت شیعیان و اقلیت سنی و آینده‌ی قدرت

روابط سیاسی ایران و عربستان سعودی معطوف به اعتمادسازی، همکاری، مشارکت و اتحاد - ائتلاف نیازمند افزایش سطوح تعامل در پی تفاهم و سپس اراده‌ی مشترک است. به عبارت دیگر، هرچه سطوح تفاهم و اراده مشترک بین آنها بیشتر باشد، آن‌گاه می‌توان انتظار داشت که روابط سیاسی دو کشور به سمت همکاری و مشارکت بیشتر سوق پیدا کند. عراق نقطه‌ی حساس سیاست خارجی دو کشور برای کسب تفاهم یا تقابل احتمالی است. عراق متمایل به عربستان سعودی و اعراب منطقه به منزله‌ی تنگ‌تر شدن حلقه‌ی انزوا علیه جمهوری اسلامی ایران است و بالعکس عراق متمایل به جمهوری اسلامی ایران به منزله‌ی اتحاد ژئوپولیتیک شیعه، برهم خوردن توازن قدرت در منطقه و خطر گرایش‌های جدایی طلبانه از سوی

شیعیان عربستان سعودی نیز است. بدیهی است که سیاست استراتژیک و هدفمند آمریکا در منطقه ممانعت از پیوند تاریخی و ژئوپولیتیک بین شیعیان عراق و جمهوری اسلامی ایران و امکان برهم خوردن توازن قوا است. البته هر یک از بازیگران منطقه‌ای به دنبال جلب حمایت عراق در ورود به ترتیبات منطقه‌ای هستند. عراق به عنوان عضو احتمالی در شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند به سناریوی ترتیبات امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس را اعتبار بیشتری ببخشد و حوزه‌ی مانور جمهوری اسلامی ایران را در خلیج فارس محدود کند. عراق به عنوان هم‌پیمان احتمالی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند توازن قدرت در خلیج فارس را علیه شورای همکاری خلیج فارس برهم بزند. عراق به عنوان عضو احتمالی اتحاد استراتژیک (روابط استراتژیک) ترکیه و اسرائیل می‌تواند منافع ملی ترکیه در امور کردستان عراق را تأمین و فشار زیادی را متوجه سوریه و دیگر کشورهای عربی نماید. همچنین اسرائیل نیز می‌تواند به مرزهای کشورهای عربی چون عربستان و نیز ایران نزدیک شده و زمینه حضور آن کشور در خلیج فارس برای برگزاری مانورهای مشترک دریایی فراهم شود. بنابراین، عراق از وزن استراتژیک در منطقه برخوردار است که گرانیگاه توازن قوا را در منطقه به شکل جدیدی متحول می‌کند. بدون شک، عراق جدید (عراق پس از انتخابات پارلمانی و



معماری قدرت با حضور شیعیان اکثریت، اکراد و حضور سنیهای پایبند به قواعد بازی) دو طیف تفاهم مشترک یا تقابل احتمالی را بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی ترسیم می‌کند. این در حالی است که بحران روابط تهران و واشنگتن از یکسو و مسائل حساس هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران فشار شدید بین‌المللی را متوجه ایران ساخته و دیپلماسی چندجانبه‌گرایی آمریکا در راینی با کشورهای منطقه به ویژه عربستان سعودی حوزه و فضای مانور سیاسی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش محدود ساخته است.

سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان، بارها از نقش جمهوری اسلامی ایران در امور شیعیان عراق ابراز نگرانی کرده است. وی در دیدار اخیر خود از آمریکا ناخشنودی خود را از بی‌توجهی واشنگتن به نفوذ بیش از حد جمهوری اسلامی ایران در امور عراق اعلام کرد.<sup>(۱۱)</sup> مواضع مقامات عالی‌رتبه دولت ریاض حاکی از عمق نگرانی عربستان سعودی از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در قدرت‌یابی شیعیان در عراق است. ایدئولوژی وهابیت تعارض شدیدی با مذهب تشیع در ایران دارد. عربستان سعودی بیش از ۴ میلیون سکنه شیعه دارد و عراق با اکثریت شیعه طی چهار دهه توسط اقلیت سنی مذهب اداره می‌شد.

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی منافع ایدئولوژیک و منافع ژئوپولیتیک در عراق

جدید خواهند داشت. در حالی که منافع ایدئولوژیک آن دو با برقراری روابط مذهبی با جمعیت روبه رشد جوان همراه است، بی‌شک، منافع ژئوپولیتیک ایران و عربستان با شکل‌دهی قدرت در معماری حکومت جدید عراق گره خورده است و نفوذ مذهبی-سیاسی حکومت‌های ایران و عربستان سعودی شاخک قدرتمند نفوذ آنها محسوب می‌شود.

البته مقامات ارشد سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز ادعاهای عربستان سعودی و آمریکا مبنی بر اعمال نفوذ ایران در امور داخلی عراق را تکذیب کرده‌اند. حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، مدعی شده است که جمهوری اسلامی ایران قصد تحریک همسایگان عرب را در خصوص امور عراق ندارد. در همین حال سفر برنامه‌ریزی شده وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران به عربستان سعودی به تعویق افتاد. جمهوری اسلامی ایران بریتانیا را به شرکت در بمب‌گذاریهای اخیر خوزستان متهم کرده است و نفوذ وهابیت در استان خوزستان را متوجه عربستان سعودی می‌داند. دیپلمات‌های انگلیسی نیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به ارسال تجهیزات و مواد منفجره به سوی جنوب عراق متهم می‌کنند و از تسلیح شیعیان طرفدار مقتدا صدر توسط سپاه پاسداران خبر می‌دهند. جراید و رسانه‌های خبری بریتانیا کشته شدن سربازان انگلیسی در جنوب عراق

را تقصیر جمهوری اسلامی ایران جلوه می‌دهند.<sup>(۱۲)</sup>

البته، روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دوران سیاست خارجی پراگماتیستی و تنش‌زدایی دوران ریاست جمهوری آقایان هاشمی و خاتمی به عادی شدن روابط منجر شده بود. سهمیه حجاج ایرانی افزایش پیدا کرده بود، قرارداد فی‌مابین امنیت مرزی بین دو کشور منعقد شده بود و رایزنی دو طرف حول مسائل حساس جهان اسلام در عالی‌ترین سطوح دنبال می‌شد. تا جایی که جمهوری اسلامی ایران تعدادی از اعضای فراری القاعده را به عربستان تحویل داد. اما مواضع تند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران آقای احمدی‌نژاد روابط تهران و ریاض را به حاشیه برد و عربستان سعودی که تا چندی پیش متحد ضدونقیض و اشنگتن در پیکار با تروریسم تلقی می‌شد، اکنون طرف‌گفتگوی اصلی آمریکا در اعمال فشار منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. سفر ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی به چین با اهداف سیاسی و همکاری‌های نفتی بعد از سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به آن کشور موجب شد تا پکن رأی موافق جهت ارجاع پرونده حساس هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت دهد. اخیراً نیز در پی انتشار کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر اسلام،

عربستان سعودی در رأس سازمان کنفرانس اسلامی طرف اصلی گفتگو با غرب قرار گرفت. عربستان در برگزاری اجلاس اخیر قطر در خصوص چهره‌ی صلح‌جویانه اسلام و انزجار از اعمال خشونت‌آمیز نقش مهمی ایفا می‌کند و ریاض به مرکز گفتگوهای مقامات ارشد غربی در خصوص مسائل خاورمیانه تبدیل شده است. اساساً نقاط تعارض اساسی میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان بر سر رهبری جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام وجود دارد. این در حالی است که در گذشته، ریاض حاضر به همکاری با آمریکا بر سر مسئله انفجار سال ۱۹۹۶ الخبر نشده بود و در کنار جمهوری اسلامی ایران از حمله به عراق به شدت انتقاد می‌کرد. هر دو کشور از طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا ناخوشود بوده و خواستار طرح عاری کردن منطقه از تسلیحات هسته‌ای بودند و به شدت از سیاست تبعیض‌آمیز هسته‌ای آمریکا در خصوص اسرائیل انتقاد می‌کردند.<sup>(۱۳)</sup>

بدیهی است که آینده‌ی روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به تحولات جدید عراق، معماری قدرت و توازن در رفتار خارجی عراق نسبت به جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی آن هم در بستر سیاست منطقه‌ای ایالات متحده بستگی دارد. بدون شک، آمریکا از عراق شیعه متمایل به جمهوری اسلامی ایران ناخشنود خواهد بود

و عربستان سعودی نیز از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق شیعه که می‌تواند تأثیرات عمیقی در آینده‌ی سیاسی شیعیان عربستان سعودی داشته باشد نگرانی دارد. استانهای شرقی عربستان سعودی که سکنه‌ی شیعه آن کشور را در خود جا داده‌اند دارای منابع نفتی می‌باشند و نگرانی عمیق آنها در خصوص تحولات عراق با منافع ایدئولوژیک، ژئوپولیتیک و امنیت ملی آنها در ارتباط است. براساس دکترین مذهبی وهابیت، شیعیان دشمنان اسلام به شمار می‌روند. استراتژی سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی، تلاش برای بازگرداندن عراق به جبهه‌ی عربی (سنی) است. سابقه‌ی این سیاست به حمایت از رژیم سابق عراق در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و دوران جنگ ۸ ساله باز می‌گردد. با اشغال کویت، مواضع سیاسی تهران و ریاض به هم نزدیک شد و مسائل اختلاف برانگیز مذهبی دو طرف در حاشیه قرار گرفت ولی اکنون اختلافات عمیق ایدئولوژیک و رقابتهای شدید ژئوپولیتیک حاکم بر روابط آن دو شده است.<sup>(۱۴)</sup>

ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی، در سوم اکتبر سال گذشته میلادی ریاست اجلاسی در جده با حضور وزرای خارجه کشورهای الجزایر، بحرین، مصر، عراق، اردن، کویت، سوریه و عمرو موسی دبیر کل اتحادیه عرب، را برعهده گرفت. وی در این اجلاس از خطر در

حال ظهور در عراق و جهان عرب سخن گفت. وی نسبت به وقوع جنگ داخلی و انهدام منافع اعراب سنی در عراق هشدار داد. ملک عبدالله از تضييع حقوق اقلیت سنی در انتخابات پارلمانی و قانون اساسی عراق صحبت کرد و از فروپاشی حاکمیت سرزمینی عراق به شدت ابراز نگرانی کرد و اکراد شمال عراق و شیعیان جنوب این کشور را به فروپاشی سرزمین عراق متهم کرد. ایالات متحده نیز پس از سقوط رژیم صدام از برگزاری اجلاس کشورهای همسایه عراق حمایت کرد، ولی هیچ گونه تفاهم مشترک بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در خصوص آینده‌ی قدرت در عراق حاصل نشد. (بدیهی است که تفاهم مشترک بین آمریکا و عربستان در خصوص نگرانی عمیق از نفوذ آمریکا در آینده‌ی عراق وجود دارد). زلمای خلیل زاد سفیر آمریکا در عراق، در مذاکره با رهبران سعودی و جیمز جفری، هماهنگ‌کننده‌ی وزارت خارجه آمریکا در امور عراق، در مذاکره با شاهزاده ترکی فیصل، سفیر جدید عربستان سعودی در آمریکا خاطر نشان ساخته‌اند که دولت ایالات متحده از عمق نگرانی عربستان در خصوص نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق آگاه است ولی این امر توجه‌کننده‌ی مداخله‌ی عربستان سعودی در تسلیح و حمایت سیاسی - معنوی از شورشیان سنی مذهب عراقی و حتی القاعده در بر هم زدن اوضاع حساس عراق نخواهد

بود. (۱۵)

۹۰

روابط سیاسی عربستان سعودی و ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر به سردی گرایید. واشنگتن، از ریاض به عنوان متحد ضد و نقیض در پیکار با تروریسم نام می‌برد. ریاض نیز واشنگتن را متهم به برهم ریختن اوضاع منطقه و جنگ دامن گیر عراق می‌کرد. کمیسیون مستقل حقیقت یاب ۱۱ سپتامبر با انتشار گزارش محرمانه‌ای، از پرتو تروریسم عربستان سعودی در حمایت سیاسی - معنوی از القاعده نام برد و بخش مذهبی حکومت ریاض را به ترویج وهابیسیم در القاعده متهم کرد. هرچند این گزارش در سطوح افکار عمومی منتشر نشد. عربستان سعودی نیز ایالات متحده را به برهم ریختن اوضاع منطقه متهم می‌کرد، از جنگ اخیر عراق به شدت انتقاد می‌کرد و از طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا و فشار آن کشور در اجرای رفرم سیاسی و اصلاحات اقتصادی به شدت نگران بود. ولی شاهزاده ترکی، سفیر جدید عربستان در آمریکا، معمار تجدید مناسبات ریاض - واشنگتن به شمار می‌رود. وی نقش حساسی در دیالوگ ریاض - واشنگتن بر سر عراق و مسائل حساس آن به ویژه نقش جمهوری اسلامی ایران در حمایت از شیعیان عراقی ایفا کرد. وی بارها با وزیر خارجه آمریکا دیدار داشت و از عمق نگرانی مشترک آمریکا و عربستان بر سر تروریسم، بنیادگرایی اسلامی و امکان تحقق حکومت جمهوری اسلامی ایران

در عراق صحبت کرد و به تدریج تفاهم مشترک معطوف به اراده‌ی مشترک بین ریاض و واشنگتن در قبال تهدید جمهوری اسلامی ایران در عراق و منطقه به وجود آمد. گفته می‌شود که در سلسله دیدارهای ترکی با مقامات ارشد آمریکایی مسائل مشترکی چون امنیت انرژی در خلیج فارس، رفرم و اصلاحات در خاورمیانه، روند صلح فلسطینیها و اسرائیلیها، القاعده و بنیادگرایی اسلامی و غیره مطرح شده است. (۱۶)

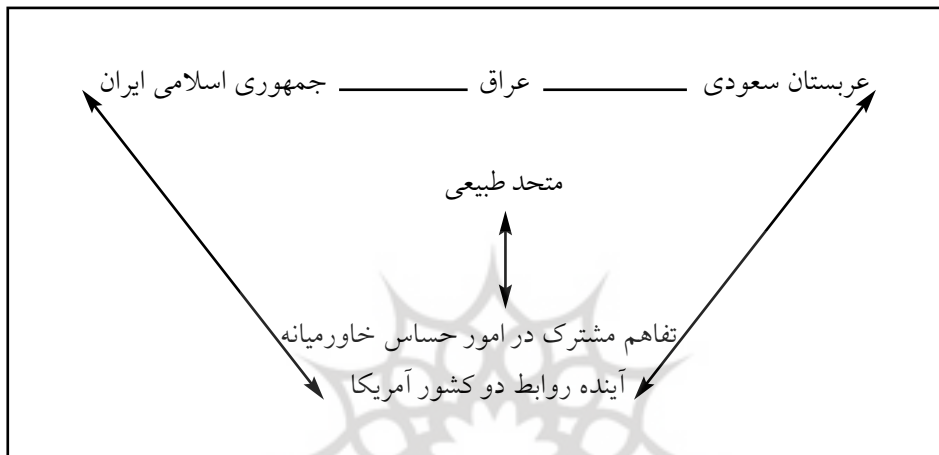
البته جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده نیز در امور حساس عراق مشابه افغانستان منافع استراتژیک داشته‌اند. آمریکا دشمنان قسم خورده‌ی مذهبی و تاریخی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و عراق را منهدم کرد. در خصوص عراق، آمریکا خواستار برگزاری انتخابات بود که به طور حتم در آن اکثریت شیعه با رأی بالا پیروز می‌شدند. جمهوری اسلامی ایران نیز اولین کشور منطقه بود که از دولت موقت عراق حمایت کرد و بارها از شیعیان خواست تا به خویشتن داری در قبال آینده‌ی عراق بپردازند، ولی گردش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آن هم ناشی از حساسیت بر سر عراق جدید به تعارض شدید منافع بین آمریکا و جمهوری اسلامی ایران انجامیده است. مواضع تند ضد اسرائیلی، بحران هسته‌ای و تهدید به انهدام منافع آمریکا در منطقه، فضای سوءظن را بر

روابط سیاسی و به تبع آن منافع مشترک دو کشور به ویژه در عراق حاکم کرده است. می توان انتظار داشت که در چنین وضعیتی عربستان سعودی حداکثر برد منافع ملی را در نزدیکی به آمریکا و تصحیح چهره ی ریاض در نزد مقامات آمریکایی داشته باشد.<sup>(۱۷)</sup>

مواضع تند رئیس جمهوری ایران در اجلاس اخیر سازمان کنفرانس اسلامی در خصوص اسرائیل<sup>(۱۸)</sup> و اتخاذ مواضع تند در تهدید منافع آمریکا در عراق و منطقه موجب شکاف بین تهران و ریاض شده است. برای مثال، مقتدا صدر، روحانی شیعه در عراق، آمریکا را به اقدامات تلافی جویانه علیه جمهوری اسلامی ایران تهدید کرد و نصرالله، رهبر حزب الله، نیز اسرائیل را به اقدامات مشابه تهدید می کند. دولت ریاض نگران اتحاد سیاسی - مذهبی شیعیان عربستان سعودی با ژئوپولیتیک شیعه با مرکزیت جمهوری اسلامی ایران است و نقطه عطف آن را قدرت یابی شیعیان طرفدار جمهوری اسلامی ایران در معماری جدید قدرت عراق می بیند. زیرا شیعیان عربستان سعودی به شدت به گذار قدرت در عراق با افتخار و خوش بینی می نگرند. همچنین شیعیان عربستان سعودی از آینده ی سیاسی - اجتماعی خود در خصوص جنگ داخلی و پیروزی احتمالی سنیها با حمایت آمریکا و اعراب منطقه به شدت نگران هستند. همچنین پیروزی شیعیان عراقی در پی جنگ داخلی و سرکوب اقلیت سنیهای عراقی

می تواند فضای سیاسی - اجتماعی و حتی مدنی شیعیان عربستان را تنگ تر کند. ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی، به اعطای امتیازات جدید به شیعیان عربستان پرداخته است و آن را برقراری توازن قوا در پی به قدرت رسیدن شیعیان عراقی متمایل به جمهوری اسلامی ایران می داند. نزدیک به چهار میلیون شیعه در استانهای شرقی عربستان و در شهرهای مکه، مدینه و ریاض زندگی می کنند ولی اکثریت آنها در شهرهای قطیف و الاحساء در استانهای شرقی آن کشور سکنی دارند. استانهای مذکور ذخایر عظیم نفت و گاز را در خود جا داده است. بنابراین، منافع ایدئولوژیک، ژئوپولیتیک و امنیت ملی عربستان سعودی با تحولات عراق و تحریکات احتمالی شیعیان عربستان گره خورده است. عربستان سعودی سوابقی از تحركات شیعیان آن کشور شامل اشغال مسلحانه مساجد عربستان در اوایل دهه ی ۸۰ میلادی و نیز تظاهرات حجاج ایرانی در اواسط دهه ی ۸۰ میلادی را به خاطر دارد. همچنین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بارها جمهوری اسلامی ایران را به حمایت از اقلیت شیعه در خلیج فارس متهم کرده اند، امری که با تکذیب مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران همراه بوده است. عراق نیز در فضای اتهام آمیز روابط دو سوی خلیج فارس به عربستان سعودی نزدیک شد و مورد حمایت جدی آنها در طول

شکل ۱- سیاست سنجی در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی



جنگ ۸ ساله قرار گرفت.<sup>(۱۹)</sup> سطوح منطقه‌ای به مسائل عراق و نیز سیاست

منطقه‌ای آمریکا در قبال عراق، ما شاهد دیاگرام سیاست سنجی به شرح منعکس شده در شکل یک خواهیم بود.

براساس این دیاگرام، نزدیکی عراق به جمهوری اسلامی ایران با ناخرسندی شدید عربستان سعودی و نیز با تعارض منافع استراتژیک آمریکا در قبال ایران همراه است. به عبارت دیگر، آینده‌ی روابط ایران و آمریکا می‌تواند قدرت و حوزه‌ی نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در منطقه تعیین کند. همچنین نقش پرنفوذ عربستان سعودی در عراق به روابط استراتژیک ریاض و واشنگتن در پیکار با تروریسم و برقراری ثبات در پی تحقق دموکراسی در منطقه بستگی خواهد داشت. به عبارت دیگر، آمریکا با حضور هدفمند سیاسی

#### ۴- فرجام: آینده‌ی روابط سیاسی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران

بی‌شک آینده روابط سیاسی دو کشور در راستای منافع ایدئولوژیک و ژئوپولیتیک در منطقه‌ی خلیج فارس به ویژه در عراق در حال گذار شکل خواهد گرفت. همچنین شکل‌یابی آینده‌ی سیاست و روابط خارجی دو کشور بدون در نظر گرفتن سیاست هدفمند آمریکا در منطقه امکان‌پذیر نیست.

عمق آینده‌ی روابط سیاسی دو کشور بر سر عراق با تفاهم مشترک و امید به تحقق اراده‌ی مشترک دو طرف بر سر منافع حساس ایدئولوژیک و ژئوپولیتیک امکان‌پذیر است. با محدودسازی گستره‌ی منافع دو کشور در

(نه یک کشور جغرافیایی همسایه منطقه) نقش تعیین کننده‌ای در معادلات سیاست منطقه‌ای عربستان، جمهوری اسلامی ایران و حتی عراق داراست. طبیعتاً عراق متمایل به جمهوری اسلامی ایران و افزایش نقش شیعیان متمایل به ایران با آینده‌ی منافع واشنگتن و تهران گره می‌خورد.

صرف نظر از آینده‌ی روابط ایران و آمریکا و مسائل حساسی چون دموکراسی، صلح و امنیت سازی در منطقه، روند پیکار با تروریسم و روند خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای و صرف نظر از مکانیسم شکل‌یابی قدرت در عراق جدید، آینده‌ی تفاهمات مشترک عربستان سعودی و آمریکا برای تحقق دموکراسی و برقراری ثبات در منطقه و نیز تدوین و توسعه‌ی سیاست خارجی مبتنی بر تفاهم مشترک معطوف به اراده‌ی مشترک با عربستان سعودی حول محور عراق جدی است. افزایش شکاف تدریجی بین ایران و عربستان می‌تواند لطمات شدیدی بر منافع منطقه‌ای دو طرف وارد سازد. اگرچه امکان جبران این امر از سوی عربستان در صورت نزدیکی با آمریکا وجود دارد، ولی بی‌شک امکان جبران آن از سوی جمهوری اسلامی ایران با مشکل همراه است، ضمن آنکه دوطرف هزینه‌ی بیشتر سیاسی - اقتصادی در جبران منافع خود خواهند داشت. زیرا نزدیکی عربستان به ایالات متحده به منزله‌ی تحقق شرایط دموکراسی آمریکایی و ثبات در منطقه است، امری که با سوءظن مقامات ریاض به آن نگریسته می‌شود و جبران منافع برای جمهوری اسلامی ایران با تنگ‌تر شدن حوزه‌ی نفوذ و مانور منطقه‌ای در پی اعمال فشار آمریکا و متحدین واشنگتن همراه خواهد بود.

بنابراین، ضروری است که مقامات ارشد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به تدبیر در خصوص تفاهم مشترک بر سر عراق جدید و حضور هدفمند آمریکا در آن کشور بپندیشند. از سوی جمهوری اسلامی ایران ضروری است که سطوح عالی رایزنی و مذاکره با مقامات ارشد سیاسی دولت ریاض بازنگه داشته شود و سوءظنها و سوءتفاهمات از طریق اعتمادسازی متقابل برطرف شود. مقامات سیاسی ارشد دو کشور تاکنون توانسته‌اند سوءتفاهمات گذشته را برطرف سازند. دیدار آقای هاشمی، رئیس‌جمهور وقت ایران، با ملک عبدالله در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در پاکستان و دعوت اخیر از آقای هاشمی بعد از انتخابات جدید پارلمانی در عراق می‌تواند اعتمادسازی مقابل را در سطوح عالی سیاسی تحقق بخشد. فقدان اعتمادسازی بین دو طرف هرگز به تفاهم مشترک بین عربستان و ایران بر سر عراق نخواهد انجامید. اگر چه می‌توان انتظار تعامل بیشتر بین آن دو را داشت، ولی هرگز تعامل آنها به تفاهم مشترک نخواهد انجامید. برای مثال، فقدان تفاهم مشترک بین ایران و عربستان فقط به تعامل در



حوزه‌های افزایش سهمیه حجاج و شرکت دو طرف در نشست ادواری کنفرانس اسلامی و غیره می‌انجامد و هرگز تفاهم مشترک در حوزه‌های حساسی چون ترتیبات امنیتی منطقه در خلیج فارس، حل و فصل بحران جزایر، انعقاد قراردادهای همکاری مشترک دفاعی و امنیتی، روند صلح خاورمیانه و اتخاذ مواضع مشترک منطقه‌ای در قبال سیاست تبعیض آمیز هسته‌ای آمریکا در قبال اسرائیل نخواهد انجامید.

به نظر می‌رسد که تفاهم مشترک ایران و عربستان سعودی بر سر مسائل عراق در وهله‌ی اول با منافع ایدئولوژیک و در وهله‌ی دوم با منافع ژئوپولیتیک دو طرف گره خورده باشد. منافع ایدئولوژیک دو کشور تاکنون به تعارض شدید منافع ژئوپولیتیک آن دو در عراق انجامیده است. بنابراین، بحث و گفتگوی دو طرف بر سر اسلام و بنیادگرایی از منظر کشورهای منطقه و نیز از منظر آمریکا که آن را به رادیکالیسم و خشونت طلبی و حتی تروریسم مرتبط می‌داند، جدی و حیاتی است. در واقع ادراکات مشترک دو طرف بر سر منافع مسلمین و رفتار مشترک آن دو در سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند سطوح تعارض شدید مذهبی - ایدئولوژیک تشیع و وهابیسیم به ویژه در آینده عراق را کاهش دهد.

همچنین دو کشور می‌توانند با تأثیرگذاری در آموزه‌های مذهبی - سیاسی جمعیت روبه رشد جوانان عراقی سطوح تعامل، مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز را بین شیعیان و سنیها نهادینه سازند و زندگی مسالمت‌آمیز در کنار برادر مسلمان در جهان اسلام را الگوسازی نمایند.

در حالی که آمریکا از عراق به عنوان الگوی حکومتی، روابط استراتژیک با متحدین و تأثیرگذاری بر روند سیاست خاورمیانه‌ای یاد می‌کند، ضروری است که جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به الگوهای منطقه‌ای دموکراسی و ثبات بیندیشند. به نظر می‌رسد که مشترکات سیاسی، دینی، اقتصادی و منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران و عربستان را به حصول در یک تفاهم مشترک بر سر عراق امیدوارتر و مصمم‌تر می‌سازد.

ایران و عربستان با شدت و ضعفهای مختلف از سوی آمریکا برای رفرم تحت فشار هستند. مقامات ارشد آمریکا در دیدارهای اخیر از ریاض، ملک عبدالله را به اجرای بیشتر آزادیهای مدنی، سیاسی و اجتماعی در عربستان سعودی تشویق می‌کنند و هم‌زمان جمهوری اسلامی ایران را به نقض استانداردهای حقوق بشر، دموکراسی، دخالت در امور خاورمیانه و بی‌ثباتی منطقه‌ای متهم می‌کنند. هنفورد، سفیر سیار آمریکا، اخیراً در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام داشت که گفتگوی استراتژیک آمریکا و عربستان می‌تواند گامهای جدی از سوی آن کشور در قبال اقلیت شیعیان، آزادیهای مدنی و



10. Yoram Schweitzer, "Neutralizing Terrorism-Sponsoring State", **Strategic Assessment**, No.1, Volume 7, May. 2004, pp. 16-20, "2020 Vision? The ME to 2020", **ME Quarterly**, Winter. 2002, pp. 1-8, and. Jerrold D.Green, **Political Violence and Stability in the States of Persian Gulf**, (US, RAND Press, 2003), pp. 81-95.
11. Simon Henderson, "A Bedouin on a Camel? Saudi Foreign Policy and the Insurgency in Iraq", **Policy Watch**, Oct. 5, 2005, pp. 1-3.
12. **Ibid**, pp. 1-3.
13. **Ibid**, pp. 1-3., and, "The Shiite Question in Saudi Arabia", **ME Report**, No. 45, Sep. 19, 2005, pp. 1-20.
14. **Ibid**, pp. 1-3, and, Laurent Murawiec, Hudson Institute Senior Fellow, **Princes of Darkness: The Saudi Assault on the West** (US, Hudson Institute Press, 2005), pp. 20-25.
15. Simon Henderson, **Ibid**, pp. 1-3, and, Laurent Murawiec, **Ibid**, pp. 30-4.
16. Richard Perle, **The Saudi and American: Hard Hitting and Intensely Controversial**, (US, RAND Press, 2005), pp. 4-12.
17. Ray Takeyh, "Iranian and American Interests Meet in Iraq", **International Herald Tribune**, Jan. 30, 2006, pp. 1-3.
18. Afshin Molavi, "The Saudi Ship is quietly, Firmly Shifting Course", **Daily Star**, Jan. 30, 2005, pp. 1-2.
19. Toby Jones, "The Iraq Effect in Saudi Arabia", **Strategic Insights**, April. 4, 2005, pp. 1-16.

۲۰. سایت رادیو فردا، مورخ ۸۴/۶/۶

۲۱. آرشیو خبری سامانه‌های اینترنتی؛ رادیو امریکا، رادیو فردا، رادیو بین‌المللی فرانسه و خبرگزاری آلمان پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران تاکنون.

1. Robert Springbury, **Legislative Politics in the Arab World**, Boulder col, Lynne Reinner, 2001, pp.Go-62.
2. Graham E.Fuller, **The Youth Factor: The New Demographics of the ME and the Implications for US. Policy**, The Brookings Institution, The SABAN Cener for ME Policy, June. 2003, pp. 11-14.
3. Rex Brynen, **Political Liberalization: Democratization in the Arab World**, US, Buldero Colo Press, 2002, pp. 22-41.
۴. برای مطالعه بیشتر درباره ژئوپولیتیک شیعه مراجعه شود به: -فرانسواتوال، ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه‌ی کتابیون باصر، تهران: وینار، ۱۳۸۳، صفحات ۳۰-۱۴ همشهری دیپلماتیک، حمید هادیان، «ژئوپولیتیک شیعه»، شماره ۱۱، نیمه اول اردیبهشت ۱۳۸۳.
5. Angela M.Rabasa, **The Muslim World after**, US, RAND Press, 2004, pp. 18-22, and, Chery Benard, **Civil Democratic Islam**, US, RAND press, 2003, pp. 49-52.
6. Lan O.Lasser, **Turkish Foreign Policy in an Age of Incertainty**, US, RAND press, 2003, pp. 99-110, and, J.hn Wise, **The Persian Gulf in the Coming Decade: Trends, Threats and Oppurtunities**, US, RAND, press. 2000, pp. 14-18.
7. Regional Changes and Regime Change.
8. Clean Break, "Israel Foreign Policy Directive to the US", **Policy Brief**, March. 27, 2003, pp. 1-2, and. Bradley Thayer, **The Pax Americana and the ME: US, Grand Strategic Interests in the Regien after 9/11 Israel**, Besa. Center Press, 2004.
9. Abraham Bemzui, "American ME Policy under the Bush Administration: The Dilemma of Enlargement", **Te Aviv Notes**, No. 13, 28/2/2001, pp. 1-3, and, Mark Heller, "The ME on the Brind of Transformation?" **Ibid**, No. 100, 19/2/2004, pp. 1-3.